

مقاله پژوهشی

تحلیل عوامل و چالش‌های توسعه مسکن معیشت‌محور روستایی

ایرج قاسمی^{۱*}، خلیل کالانتاری^۲

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

۲. استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵)

Analysis of the Factors and Challenges of Rural Livelihood-Oriented Housing Development

Iraj Ghasemi^{*1}, Khalil Kalantari²

1. Assistant Professor, Department of Urban and Regional Planning, Institute of Human and Social Science, ACECR

2. Professor, Department of Agricultural Management and Development, University of Tehran

(Received: 10/Oct/2021)

(Accepted: 26/Nov/2021)

چکیده

Abstract

Rural housing is a physical, social, economic, cultural and environmental phenomenon. Housing has always been linked to the livelihood and economic activity of the family and the village. Livelihood-oriented rural housing has tended to be identified with urban housing in recent years, and the share of livelihood-oriented housing has decreased. The purpose of the present study is to identify the challenges facing the development of livelihood-oriented housing. For this purpose, in the first stage, six townships from six provinces were selected by cluster method, and then 13 villages were selected based on different demographic and socio-economic spectrums. Using systematic random sampling, 332 questionnaires were completed. Field findings showed that the respondents agree more with the influence of structural intervening factors in the formation of livelihood-oriented housing than with human and social factors. Factor analysis also confirmed this issue. Therefore, it is suggested that while modifying the procedures and content of development plans and technical rules and regulations and defining financial support packages, the education of the new rural generation should also be on the agenda.

مسکن روستایی پدیده‌ای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی است. از این رو همواره با معیشت و فعالیت اقتصادی خانوار و روستا پیوند داشته است. مسکن معیشت‌محور روستایی طی سال‌های اخیر گرایش به همانندسازی با مسکن شهری پیدا کرده و سهم مسکن معیشت‌محور کاهش یافته است. مسئله این مقاله شناسایی چالش‌های پیش روی توسعه مسکن معیشت‌محور است. برای این منظور، مرحله اول شش استان و از هر استان یک شهرستان به روش خوشه‌ای انتخاب و سپس ۱۳ روستا بر اساس طیف جمعیتی و اقتصادی اجتماعی مختلف برگزیده شد. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی منظم ۳۳۲ پرسشنامه تکمیل گردید. یافته‌های میدانی نشان داد که پاسخگویان با تأثیر عوامل مداخله‌گر ساختاری در شکل‌گیری مسکن معیشت‌محور توافق بیشتری نسبت به عوامل انسانی و اجتماعی دارند. تحلیل عاملی نیز این موضوع را تأیید کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ضمن اصلاح رویه‌ها و محتوای طرح‌های توسعه و ضوابط و مقررات فنی و تعریف بسته‌های حمایتی مالی، آموزش نسل جدید روستایی نیز در دستور کار قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مسکن روستایی، معیشت‌محوری، مشاغل خانگی، مسکن اقتصادی.

Keywords: Rural Housing, Livelihood-Oriented, Home Businesses, Economic Housing.

*Corresponding Author: Iraj Ghasemi

E-mail: I_ghasemi@yahoo.com

مقدمه

سکونتگاه روستایی به مثابه فضای عملکردی و زیستی در طول تاریخ، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر بوده است (mandal, 2001: 19). هدف اصلی این سکونتگاه‌ها، فراهم کردن محیطی راحت برای فعالیت‌های انسانی است (Martin & else, 2010: 666). این راحتی و آسایش در معماری بنا منعکس شده است. مسکن به عنوان اصلی‌ترین عنصر کالبدی فضا پیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی با ماهیتی چند کارکردی است (محمدی‌یگانه، ۱۳۹۹: ۱۰۶). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پر دوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (Bourne, 1981: 14) و افزون بر این‌ها، مشتمل بر رفع نیازهای مالی به عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد است (Cater & Trevor, 1989: 38). حال آنکه عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴؛ Short, 2006: 199). اغلب مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (Westaway, 2006: 187). بنابراین مسکن فقط کالبد و فیزیک نیست، بلکه جایی است که توسعه یکپارچه را زمینه‌سازی کرده و دربرگیرنده تسهیلات، خدمات و زیرساخت‌های توسعه نیز می‌شود (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۲؛ Ngcobo, 2018: 32).

عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذار است (Sendich, 2006: 158) و می‌توان گفت معماری مسکن انعکاسی از سبک زندگی و فرهنگ جامعه است (Skataric, 2021: 1). عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی همیشه سبک زندگی عموم مردم را شکل داده است (polin, 2019: 2) و از این طریق تفاوت در مسکن و محیط مسکونی به وجود می‌آورد. به طوری که می‌توان گفت مسکن روستایی تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و در نهایت نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای تأثیرگذار در شکل بخشی به آن‌هاست (عبداللهی، ۱۳۹۴: ۲۵). تفاوت‌های بین مسکن شهری و روستایی باعث تفاوت ماهوی و نیاز به مسکن شده است (مهدیان و سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱: ۴).

رکن‌الدین‌افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۷؛ زرگر و حاتمی، ۱۳۹۳: ۴۷). در حالی که فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضایی کارکردی معین را به صورت ویژه و منحصر بفرد، به خود اختصاص می‌دهد، در فضای مسکونی روستایی، بیشتر عناصر فضایی علاوه بر کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز بر عهده دارد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۲). مسکن روستایی نیز پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است (مهدیان و سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱: ۵). بدین ترتیب مسکن روستایی از فعالیت و اقتصاد خانواده و معیشت قابل تفکیک نیست. معیشت به معنای زندگی و زنده بودن، توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی است که برای زندگی و زنده بودن مورد نیاز است (Chambers, 2005: 5). با این حال معیشت، نهادهای اجتماعی، روابط فراخانوار و ساز و کارهای دسترسی به منابع در طول دوره زندگی را نیز دربرمی‌گیرد (جمعه‌پور، ۱۳۹۰: ۴۰). معیشت چیزی بیشتر از شغل است. معیشت شامل همه کارهایی است که افراد انجام می‌دهند تا گذران زندگی کنند (Helmor & Sing, 2001: 45).

در سال‌های اخیر بر اساس چارچوب تئوریک نئولیبرال در کنار تأمین معیشت، رویکرد معیشت پایدار نیز مطرح شده است (Ngcobo, 2018: 36). رویکرد معیشت پایدار، از بستر و نظریه توسعه روستایی نوین برخاسته است و به عنوان یکی از رویکردهای نظریه توسعه پایدار از دهه ۱۹۸۰ مطرح و از اوایل هزاره دوم میلادی مورد توجه جدی قرار گرفته است. الیس (۲۰۰۰) در تعریف خود از معیشت پایدار، معتقد است که معیشت با تأکید بیشتر بر روی دسترسی به دارایی و فعالیت‌هایی که تحت تأثیر روابط اجتماعی (جنسیت، سواد، طبقه، نژاد و قومیت و اعتقادات) و نهادها قرار دارند، شکل می‌گیرد و هرگونه اشاره به پایداری یا توانایی‌ها را مستثنی می‌کند (الیس، ۲۰۰۰: ۱۶ به نقل از حیدری ساربان و عبدپور، ۱۳۹۸: ۲۹).

مسکن روستایی از ابتدای شکل‌گیری و استقرار نظام سکونت بشری، ضمن اینکه محلی برای زیست و سکونت و آرامش و آسایش زندگی بوده، از طریق ایجاد فضای تولید و پشتیبان تولید محلی برای تأمین درآمد و ایجاد درآمد مکمل اقتصادی خانوار روستایی را نیز بر عهده داشته است. بدین ترتیب در یک مفهوم‌سازی جدید برای مسکن روستایی، مسکن روستایی را مسکن معیشت‌محور تعریف کرده‌اند. این

موضوع از مدل مندال استفاده شده است (شکل ۱).



شکل ۱. عوامل مؤثر بر گونه مسکن بر اساس مدل مندال (اقتباس از Mandal, 2001)

در این مدل، عوامل و شرایط اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، مقررات و ضوابط اداری، سنت و ارزش‌های دینی در نوع و گونه مسکن نقش دارند. بدین ترتیب مسکن روستایی بر روستایی به عنوان عامل و کنشگر فعال و ساختارهای کلان و خرد حاکم، رابطه تعاملی و تأثیر و تأثر دارد. مرور منابع نشان دهنده برخی از پیامدهای این تأثیر و تأثر است. احساس رضایت و آسایش خانوار روستایی، ایفای نقش کالای اقتصادی و نقش اجتماعی تا هویت‌سازی برخی از پیامدهای این رابطه بوده و تغییر در ساخت و بافت سکونتگاه و اثرپذیری از آن نوعی از پیامدهای ساختاری به شمار می‌رود (جدول ۱).

جدول ۱. پیامد تأثیر و تأثر مسکن روستایی بر عامل و ساختار

نوع پیامد	ویژگی مسکن روستایی	مآخذ
دین و فرهنگ	احساس راحتی و آسایش	Martin & else, 2010: 1
	هویت‌سازی و ارزش فردی	Short, 2006: 199 زرگر و حاتمی، ۱۳۹۳: ۴۳
	رضایت در سکونت محله و روستا	Westaway, 2006: 187

مفهوم برای اولین بار در راهبردهای طرح جامع مسکن بکار گرفته شد. بر اساس این رویکرد، ترکیب معیشت با فضای زیست در خانه‌های روستایی و اثر اقتصادی سرمایه‌گذاری در این بخش موضوع مهمی است که بدون پرداختن به آن تصویری جامع از وضعیت مسکن روستایی میسر نمی‌شود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸).

مقایسه نتایج طرح آمارگیری از ویژگی‌های مسکن روستایی توسط بنیاد مسکن بین سال‌های ۸۷ تا ۹۷ مشخص می‌شود، سهم واحدهای مسکونی فاقد فضا با عملکرد غیرزیستی از ۵۹/۸۳ درصد به ۷۷ درصد رسیده است. به عبارت دیگر طی یک دهه بیش از ۱۷ درصد از واحدهای مسکونی فضاهای غیرزیستی خود را از دست داده‌اند و یا در ساخت و سازهای جدید این فضاها به مسکن الحاق پیدا نکرده است. این در حالی است که سهم واحدهای مسکونی دارای اسکلت فلزی و بتنی از ۵/۰۱ درصد در سال ۱۳۸۷ به حدود ۲۴ درصد بالغ شده است. به عبارتی ۱۹ درصد به واحدهای مسکونی فلزی و بتنی افزوده شده است. همچنین یافته‌های موجود نشان می‌دهد تعداد واحدهای مسکونی فاقد فضا با عملکرد غیرزیستی سالانه ۱۳۵۵۷۰ واحد از واحدهای مسکونی فاقد فضا با عملکرد غیرزیستی کاهش یافته و سهم این واحدها از کل واحدهای مسکونی از حدود ۶۰ درصد به ۷۷ درصد رسیده است.

این آمارها به این معنی است که همراه با مقاوم شدن بنا و اسکلت واحدهای مسکونی و افزایش روند شهرگرایی (پورطاهری، ۱۳۹۶: ۱۱۸)، به دلیل تغییر در ساختار و کارکرد مسکن روستایی، کارکرد و نقش مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت اقتصادی خانواده است، از بین رفته است و دیگر پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نیست (فضلعلی، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در نتیجه نوعی «معیشت‌زدایی» از واحدهای مسکونی روستایی اتفاق افتاده است. بدین ترتیب کارکرد مسکن از زیستی-معیشتی به سکونتی-خوابگاهی در حال تغییر است. شایان ذکر است، بر اساس داده‌های موجود هر چند با افزایش تعداد واحدهای مسکونی در استان‌های کشور روند تعداد واحدهای مسکونی دارای فعالیت‌های معیشتی افزایش داشته است، ولی با مقایسه این ارقام با تعداد واحدهای مسکونی دارای فضاهای زیستی، «معیشت‌زدایی» هم‌چنان به قوت خود باقی است. پس مسئله این است که چالش‌های پیش‌روی توسعه مسکن معیشت‌محور چیست و چه عواملی در کاهش سهم مسکن معیشت‌محور نقش دارند؟ برای بررسی این

نظر قومیت و زبان نیز تنوع لازم وجود دارد. سپس به شهرستان مرکز استان به دلیل تأثیرپذیری از مرکزیت اداری و سبک زندگی متفاوت‌تر، از گزینه‌ها حذف شده و از بین سایر شهرستان‌ها، شهرستانی که با ویژگی‌های کلان آن دسته همسانی داشت انتخاب شد.

جدول ۲. نام و وابستگی اداری_سیاسی روستاهای نمونه

استان	شهرستان	بخش	دهستان	آبادی نمونه
یزد	ابر کوه	بهمن	اسفندار	اسدآباد
یزد	ابر کوه	بهمن	اسفندار	هارونی
لرستان	بروجرد	مرکزی	همت آباد	نصیرآباد
لرستان	بروجرد	اشترینان	اشترینان	دره گرگ
سیستان و بلوچستان	چابهار	دشتیاری	باهو کلات	درکس
سیستان و بلوچستان	چابهار	دشتیاری	باهو کلات	گرم بیت بالا
خراسان شمالی	فاروج	مرکزی	سنگر	یارم گنبد
خراسان شمالی	فاروج	مرکزی	بابامان	ینگه قلعه
خراسان شمالی	فاروج	مرکزی	سنگر	شیرغان
تهران	فیروز کوه	مرکزی	شهرآباد	شهرآباد
تهران	فیروز کوه	مرکزی	شهرآباد	جلیزجند
مازندران	قائم‌شهر	مرکزی	بالاتجن	افراکتی
مازندران	قائم‌شهر	مرکزی	علی آباد	آهنگرکلا

منبع: آمارنامه استان‌ها ۱۳۹۷

برای انتخاب روستاهای نمونه، ابتدا روستاهای شهرستان بر اساس جمعیت گروه‌بندی شدند. در نتیجه وضعیت هر شهرستان از نظر توزیع روستاهای بر اساس اندازه جمعیتی مشخص و گروه‌بندی شد. بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ در شهرستان‌های نمونه، ۱۵۳۵ آبادی روستایی دارای سکنه وجود داشت که در گروه‌بندی جمعیتی توزیع شدند. بر اساس سهم گروه جمعیتی روستاهای شهرستان مشخص شد، سپس با لحاظ تعداد جمعیت، فعالیت اقتصادی، قومیت روستا، ویژگی طبیعی و میزان مداخله در بافت در اثر طرح توسعه، دو روستا انتخاب شد. بر این اساس ۱۳ روستا انتخاب شدند (جدول ۲).

انکاس سبک زندگی	Skataric,2021 polin,2019
تأثیرپذیری از نوع سکونتگاه (بافت)	مهدیان و سرتیپی پور، ۱۳۹۱، سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۵۲
کالای اقتصادی	Bourne,1981:14
نقش اجتماعی	Bourne,1981:14
رفع نیاز مالی و معیشت	Cater & Trevor, 1989 chambers,2005:5
	مهدیان و سرتیپی پور، ۱۳۹۱: ۴، زرگر و حاتمی، ۱۳۹۳: ۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

مجموعه عوامل چالش‌برانگیز در مسکن معیشتی را بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌توان به دو گروه عوامل عاملیتی و عوامل ساختاری تقسیم کرد. عوامل عاملیتی به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که به فرد و ارزش‌ها و نگرش‌های او مربوط می‌شود. عوامل ساختاری مجموعه عواملی است که بر کلیت مجموعه احاطه داشته و تغییرات بطئی دارد. قوانین و مقررات، اقتصاد کلان از جمله این عوامل هستند.

در این پژوهش در دسته‌بندی کلان عوامل، از نظریه ساخت‌یابی استفاده شده و اما در تعریف عوامل با استفاده از دسته‌بندی فوق تلاش شده است تا عوامل تأثیرگذار مدل مندال و دیگران مورد ارزیابی قرار گیرد.

داده‌ها و روش کار

رویکرد کلی حاکم بر این پژوهش اثبات‌گرایی و روش مطالعه کمی بوده است. داده‌های مورد استناد در این مطالعه، داده‌های اولیه ناشی از برداشت میدانی است. نمونه با روش خوشه‌ای انتخاب شد. بدین ترتیب استان‌های کشور بر اساس شاخص متوسط سهم واحدهای مسکونی معیشتی که از آمارگیری نمونه‌ای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۷ به دست آمده، به سه دسته تقسیم شده و از هر دسته، دو استان که کمترین و بیشترین سهم را داشتند انتخاب شدند. علاوه بر شاخص سهم واحدهای مسکونی معیشتی، ویژگی‌های اقلیمی، طبیعی، فعالیت اقتصادی، اجتماعی و قومیتی و پراکندگی جغرافیایی در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب نماینده‌ای از استان‌های کوهستانی، دشتی، ساحلی و کویری قرار داشته و از

تصادفی منظم انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بسته با طیف پنج گزینه‌ای بوده و در مجموع ۳۳۲ پرسشنامه از سرپرستان خانوار در ۱۳ روستای نمونه مطالعاتی جمع‌آوری شد. با توجه به آلفای کرونباخ ۰/۸۳ سازگاری خوبی بین گویه‌ها وجود دارد (جدول ۳). بنابراین پایایی ابزار اندازه‌گیری قابل قبول تلقی می‌شود.

جدول ۳. پایایی پرسش‌نامه برداشت میدانی-۱۳۹۹

مقادیر	تعداد	درصد
معتبر	۱۳۵	۴۱/۴
مقادیر حذف شده	۱۹۱	۵۸/۶
جمع	۳۲۶	۱۰۰
آلفای کرونباخ	تعداد آیت‌ها	
۰/۸۰۳	۷۴	

منبع: یافته‌های تحقیق

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و لیزرل استفاده شده و عوامل و چالش‌های اصلی شناسایی و تحلیل شدند.

شرح و تفسیر نتایج

در این مطالعه، در مجموع با ۳۳۲ نفر به صورت حضوری مصاحبه و پرسشنامه با سوالات بسته تکمیل شد. ترکیب جنسی مخاطبان نشان داد که حدود ۷۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۱ درصد زن بوده‌اند (جدول ۴).

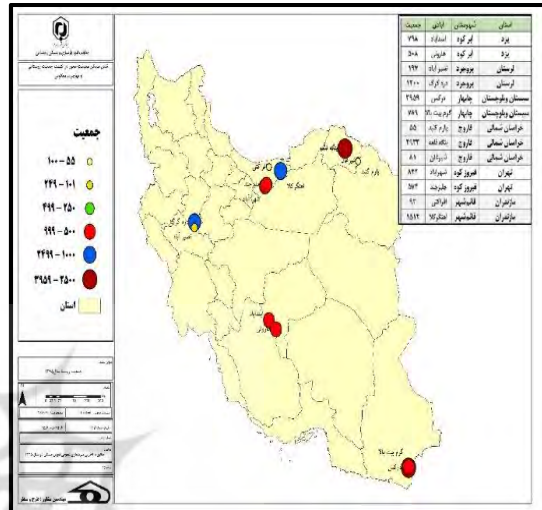
جدول ۴. ترکیب جنسی پاسخگویان سرپرست خانوار

فرآوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مرد	۲۶۲	۷۸/۹	۷۸/۹
زن	۷۰	۲۱/۱	۱۰۰
جمع	۳۳۲	۱۰۰	۱۰۰

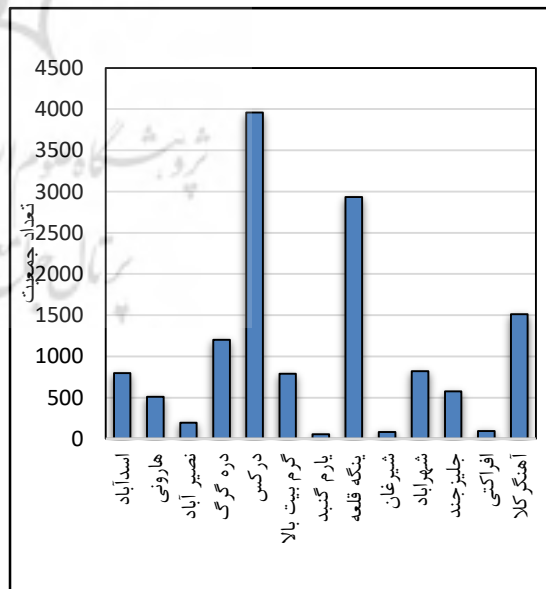
منبع: یافته‌های تحقیق

از نظر ترکیب سنی، ۷۰ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۶۰ سالگی و ۱۷ درصد بالاتر از ۶۰ سال قرار داشتند (جدول ۵).

در این میان همه گروه‌های جمعیتی دارای حداقل یک نماینده در بین روستاهای نمونه هستند. بر این اساس روستاهای کمتر از ۱۰۰ نفر تا حدود ۴۰۰۰ نفر در میان روستاهای منتخب قرار دارند. پراکندگی آبادی‌های روستایی نمونه در شکل ۲ و تعداد جمعیت آن‌ها در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۲. نقشه پراکندگی روستاهای نمونه



شکل ۳. تعداد جمعیت روستاهای نمونه

در مرحله نهایی در هر روستا، ۱۰ درصد از خانوارها با محدودیت حداقل ۲۰ و حداکثر ۵۰ نمونه خانوار به صورت

جدول ۵. ترکیب سنی پاسخگویان سرپرست خانوار

درصد	درصد واقعی	درصد	فراوانی	
۱۳	۱۳	۱۲/۷	۴۲	تا ۲۹ سال
۸۳	۷۰	۶۸/۴	۲۲۷	۳۰ تا ۵۹ سال
۱۰۰	۱۷	۱۶/۶	۵۵	۶۰ سال و بالاتر
		۲/۴	۸	بدون پاسخ
		۱۰۰	۳۳۲	جمع کل

منبع: یافته‌های تحقیق

است که توافق بیشتری روی آن‌ها وجود دارد. گروه بعدی از مشکلات اقتصادی و هزینه - فایده شغل خانگی است که ضریب توافق بالایی را به خود اختصاص داده است. تأمین هزینه ساخت مسکن برای گروه‌های محروم از جمله دغدغه اصلی است. این عامل زمانی پررنگ‌تر می‌شود که الزامات ساختاری، بر استفاده از مصالح غیربومی و گران‌قیمت تأکید نماید. مواد و مصالحی که اجرای آن از دست افراد خانوار نیز بر نمی‌آید و حق‌الزحمه ساخت را نیز افزون می‌کند. معیشت‌محور شدن مسکن مستلزم گسترش و تنوع فضاهاست. از این رو عامل اقتصاد و تأمین هزینه در این مورد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

اما ضوابط و مقررات ساخت و ساز و یا قوانین و مقررات ساخت و ساز از جمله گویه‌هایی بودند که توافق زیادی در آن‌ها وجود ندارد. روستایی بیش از آنکه به رعایت ضوابط و مقررات ساخت و ساز بیاندهد، به نیازهای خود و توان مالی فکر می‌کند. بنابراین عامل ضوابط و مقررات موجود را مانعی یا تأثیرگذار بر معیشت‌محور شدن نمی‌داند و یا بر آن اتفاق نظر ندارد.

در مورد انگیزه‌های فردی و علاقه به کار و اشتغال در مسکن بیشترین پراکندگی در بین نظرات وجود دارد. به عبارت دیگر پاسخگویان نظرات متفاوتی در این موضوعات داشته‌اند. یافته‌های تفصیلی نشان داد که جوانان روستایی بیشتر به سبک زندگی و فعالیت شهری روی آورده و حاضر به فعالیت به شیوه سنتی در واحد مسکونی نیستند. عدم وجود برنامه برای متناسب‌سازی مشاغل خانگی نیز مزید بر علت شده و در نتیجه انگیزه‌ها برای مسکن معیشت‌محور را گروه‌های سنی مختلف متفاوت کرده است.

ضریب تغییرات عوامل مختلف در جدول ۶ آمده است. در گام بعدی بر اساس مدل نظری، عوامل و گویه‌های که در مسکن معیشت‌محور نقش دارند، دسته‌بندی شدند. در این دسته‌بندی عوامل ساختاری به مؤلفه‌های اقتصاد کلان، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی تحت لوای قانون مصوب مجلس یا ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه تقسیم شدند.

در سویه دیگر، مدل عوامل عاملیتی یا انسانی مطرح شد که با زیرمؤلفه‌های سبک زندگی و شهرگرایی تعریف شدند. در محور میانی مدل مسکن معیشت‌محور بر اقتصاد خرد خانوار یعنی درآمد و اشتغال افراد خانوار نقش داشت. در مجموع خروجی مدل به ماندگاری یا تثبیت جمعیت منجر می‌شود. بر این مبنای هر یک از مؤلفه‌هایی که بر مسکن معیشت‌محور

برای تحلیل چالش‌های پیش روی ساخت و اجرای مسکن معیشت‌محور، ابتدا تمام مؤلفه‌هایی که در پرسشنامه به عنوان مشکل و چالش قابل احصا بوده استخراج و بر اساس میزان توافق در پاسخ مرتب شدند. ضریب تغییرات یا میزان پراکندگی پاسخ (CV) نشان می‌دهد که در بین پاسخ دهندگان هر گویه تا چه اجماع نظر در پاسخ‌ها وجود دارد. بر اساس این شاخص، چالش‌ها و مشکلات مربوط به مسکن معیشت‌محور از کمترین ضریب تغییرات (بیشترین توافق بر موضوع) تا بیشترین شاخص و ضریب تغییرات (کمترین توافق بر موضوع) مرتب شدند.

این محاسبه نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، عدم توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی و کار و فعالیت در طراحی مسکن چه از طرف دولت و یا خود افراد و مهندسان امروزی، اصلی‌ترین مشکل در ایجاد واحدهای مسکونی معیشت‌محور و اقتصاد مینا به شمار می‌رود. کنشگر و فرد روستایی به اندازه‌ای از رشد و آگاهی رسیده است که دیدگاه‌ها و نظرات دیگری غیر از خود را به طور کامل نمی‌پذیرد. از این رو انتظار دارد تا در ساختار نهادی و اجرایی او را در طراحی و بافت و مسکن مداخله داده و از نزدیک به نیازهای واقعی او توجه کنند. مهم‌تر آن که نیاز اقتصادی و فعالیت و نیاز اجتماعی گروه‌های سنی مختلف در خانوار برای او اهمیت پیدا می‌کند. مسکن ضمن اینکه فضای فعالیت و معیشت او را تأمین نماید، باید شرایط مناسبی برای کهنسالان و نوجوانان را نیز به وجود آورد.

موضوع عدم حمایت دولتی، نیاز به سرمایه بیشتر، شهرگرایی در بین خانواده و جوانان دسته دیگری از مشکلات

برای تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های دارای همبستگی بالا، از مدل حذف یا ادغام شد، سپس مدل مفهومی از عوامل دارای نقش در بروز مشکل توسعه مسکن معیشت‌محور تدوین شد. مدل مورد نظر در برنامه لیزرل تحلیل عاملی تأییدی محاسبه و مدل مشکلات توسعه مسکن معیشت‌محور استخراج شد. در مجموع چهار دسته چالش شناسایی شده، که سه دسته آن‌ها عوامل ساختاری و یک دسته عوامل عاملیتی است (جدول ۷).

۱) چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی، مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی توسعه مسکن معیشت‌محور است. بر اساس یافته‌های مطالعه، کمبود سرمایه از سوی روستاییان زمینه را برای عدم توسعه مسکن معیشتی فراهم کرده است. ساخت واحدهای مسکونی که ضمن فراهم آوردن شرایط زیست و سکونت، فضای لازم برای فعالیت اقتصادی را فراهم آورد، نیاز به زمین و فضای ساخت و ساز بیشتری داشته و کمبود سرمایه برای تأمین هزینه یکی از چالش‌های اصلی در سر راه این اقدام به شمار رفته است. این موضوع همزمان با عدم توان رقابتی با سایر فعالیت‌ها و توجیه نداشتن فعالیت‌های اقتصادی خانگی، مجموعاً سازه‌ای را تشکیل می‌دهند که به آن چالش اقتصادی گفته شده است.

۲) چالش‌های قوانین و مقررات

قوانین و مقررات دولتی و نهادهای عمومی مهم‌ترین ابزار برای هدایت برنامه‌ها و سیاست‌های دولت است. معمولاً این مقررات در ضوابط و مقررات ساخت و ساز، تفکیک زمین و حد نصاب تراکم و طبقات در ساخت و ساز مسکن نمود پیدا می‌کند. مسکن روستایی تا قبل از اعمال ضوابط فنی و نیز اجرای طرح‌های مداخله در بافت و ساخت همچون طرح‌های روستایی و طرح تفکیک اراضی، بر اساس شرایط و وضعیت مالک و بستر جغرافیایی، البته با مصالح بومی و محلی ساخته و حفظ و نگهداری می‌شد.

با تدوین ضوابط فنی و ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه کالبدی در روستا، ساخت و ساز مسکن نیز تغییر کرد. مقاومت‌سازی بنا در برابر سوانح طبیعی، محدودیت در توسعه کالبدی در اراضی خارج از بافت، تعیین حد نصاب تفکیک و طبقات و تراکم ساختمانی و از همه مهم‌تر پهنه‌بندی کاربری اراضی در سطح بافت و تفکیک کاربری‌های ناسازگار (در

تأثیر داشتند، در صورت عدم تحقق یا تأثیر منفی می‌توانند توسعه مسکن معیشت‌محور را با چالش روبرو کنند.

جدول ۶. رتبه‌بندی مشکلات بر اساس مقادیر ضریب تغییرات

مشکلات	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب تغییرات
عدم توجه به نیاز در طراحی مسکن	۳/۷۴	۱/۱۸۲	۰/۳۱۶
عدم توجه به نیاز کار افراد مسن	۳/۷۴	۱/۲۰۱	۰/۳۲۱
عدم وجود انبار و فضاهای پشتیبانی	۳/۸	۱/۳۲	۰/۳۴۷
عدم تنوع در کار	۳/۴	۱/۲۰۲	۰/۳۵۳
عدم وجود فضاهای الحاقی برای فعالیت	۳/۵۱	۱/۲۷۸	۰/۳۶۵
هزینه ساخت و قیمت تمام شده	۳/۷۹	۱/۴۱۳	۰/۳۷۳
عدم وجود فضای کار و فعالیت در خانه	۳/۴۸	۱/۳۱۱	۰/۳۷۷
شهرگرایی جوانان	۳/۲۶	۱/۲۸۳	۰/۳۹۴
عدم توجه به نیاز در ساخت خانه دولتی	۳/۴	۱/۳۴۶	۰/۳۹۶
عدم حمایت دولت	۳/۷	۱/۴۹۳	۰/۴۰۴
کمبود فضاهای داخلی در خانه	۳/۰۷	۱/۲۹	۰/۴۲۱
عدم توجیه اقتصادی	۳	۱/۲۶۹	۰/۴۲۳
عدم رقابت پذیری درآمدی	۳/۰۶	۱/۳۱۶	۰/۴۳
کمبود سرمایه	۲/۸۳	۱/۲۴	۰/۴۳۹
شهرگرایی خانواده	۳/۲۳	۱/۴۳۴	۰/۴۴۴
کمبود فضای کار در خانه	۲/۷۸	۱/۲۳۵	۰/۴۴۴
کمی درآمد کار خانگی	۲/۹۷	۱/۳۳۶	۰/۴۴۹
ضوابط و مقررات ساخت و ساز	۳/۳۱	۱/۵۴۴	۰/۴۶۷
عدم صدور مجوز	۲/۸۹	۱/۴۱۲	۰/۴۸۹
اجرای ضوابط طرح توسعه	۳/۰۸	۱/۵۴۹	۰/۵۰۳
عدم علاقه روستائیان	۲/۷۱	۱/۳۷۸	۰/۵۰۹
نبودن شغل در روستا	۲/۷۹	۱/۴۲۱	۰/۵۰۹
تفاوت کار امروزی با کار سنتی	۲/۳۶	۱/۲۰۹	۰/۵۱۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

می‌پیماید. این مطالعه نشان داد که تغییر سبک زندگی، ارزش‌های فردی و علاقه افراد و نیز تقاضا برای حضور در اجتماعی مهم‌ترین چالش‌های انسانی و عاملیتی است که در مسیر توسعه فعالیت در مسکن روستایی وجود دارد. مطالعه گویای آن است که مسکن در روستا نیز به عنوان یکی از ابزارهای فخرفروشی و تولید هویت فردی و خانوادگی بوده و از این جهت فرد روستایی در برابر دیگر افراد و خانوارها، با این ابزار خود را نشان می‌دهد. از این رو وجود فعالیت به ویژه فعالیت‌های سنتی همچون دامداری و مرغداری و حتی فعالیت کشاورزی، ضد ارزش‌های امروزی تلقی شده و باید از مسکن جدا شود.

مهم‌ترین مشکل انسانی درک شده توسط پاسخگویان، عدم علاقه به کار خانگی به ویژه توسط جوانان و تحصیل کرده‌های شهری و آموزش ندیدن نیروی کار برای کار و فعالیت در واحد مسکونی، فراوانی بیشتری داشته است. نگرش نسل جدید تحت تأثیر سهولت ارتباط با شهر و نیز فراهم شدن بسترهای ارتباطی تصویری و مجازی با شهر و شهرنشینان و از سوی دیگر نشان دادن رفاه و زندگی شهری، زمینه را برای گریز از زندگی و فعالیت روستایی در کل و بالاتر از آن فعالیت اقتصادی در منزل فراهم کرده است. نسل امروزی دوست دارد مشارکت بیشتری در فرایندهای اجتماعی داشته باشد. زنان تقاضای مشارکت در فعالیت اجتماعی را دارند و دیگر شغل خانگی را نمی‌پذیرند. از سوی دیگر شغل خانگی و کار و فعالیت در منزل هنوز نتوانسته همپای سایر تغییرات، خود را به روز کند. از این رو، نسل امروزی و خانواده و جوانان علاقه دارند که در بیرون از خانه کار کنند. این فرایند از طریق هنجارها و نگرش‌های سنتی نیز ترویج داده شده و تبدیل به یک آرزو و خواست عمومی می‌شود. عبارت‌هایی همچون «دختر من در شهر کار می‌کند»، «فرزندم کارمند شرکت است» به عنوان نوعی برتری تلقی شده و بر بستر چشم و هم‌چشمی سوار شده و به ارزش تبدیل می‌شود.

ادبیات مدرن) از پیامدهای این مداخله بوده است. بر اساس نتایج یافته‌های میدانی و تحلیل عوامل صورت گرفته، در ساخت مسکن مورد حمایت دولت (مسکن توان‌خواهان) به نیازهای خانوار روستایی توجه نمی‌شود. در صورت نیاز به توسعه بافت، مجوز ساخت و ساز با محدودیت روبرو بوده و ضوابط و مقررات فنی، مصالح و موادی را توصیه می‌کند. در مجموعه این ضوابط و مقررات فنی و طرح‌های توسعه کالبدی یکی از چالش‌های مهم بر سر راه توسعه معیشت در واحد مسکونی شناخته شده است.

۳) چالش‌های فیزیکی-کالبدی

از منظر کالبدی مهم‌ترین مسئله، کوچک شدن ابعاد و اندازه زمین و اعیانی برای کار و فعالیت است. بالا رفتن هزینه زمین، اجازه توسعه فعالیت در واحد مسکونی را نمی‌دهد. بنابراین محل فعالیت به ویژه دامداری و مرغداری که زمانی در حیاط منزل بود، تحت تأثیر توسعه بافت روستا و مدرن شدن خانه، در بافت قدیم و یا مخروبه‌های خانه قدیمی استقرار یافتند. بدین گونه، نوعی جدایی‌گزینی خودخواسته بین فضای سکونت و فعالیت شکل گرفته است. امروز باید پذیرفت که مصالح ساخت و ساز و کیفیت بنا در فضاهای معیشتی و فضاهای زیستی واگرایی زیادی از خود نشان می‌دهند.

۴) چالش‌های انسانی (عاملیتی)

انسان و ارزش‌ها و نگرش‌های او در طول تاریخ و تحت تأثیر فرایندهای کلی حاکم بر جامعه و فرد دچار تغییر می‌شود. تغییر اجتماعی جزء ذاتی جامعه و فرد است و جامعه‌ای که تغییر نکند، دچار میرایی می‌شود. این تغییر باعث می‌شود تا سایر ابعاد زندگی از جمله مسکن نیز تحول پیدا کند. فرم و عملکرد واحد مسکونی از این تغییرات تأثیر می‌پذیرد و چنانچه این هماهنگی به درستی اتفاق نیافتد و یا با مداخله جلوی این تطبیق و تطابق گرفته شود، مسیر تغییر و تحول خارج از کنترل مسیر خود را

جدول ۷. بارهای عاملی تخمینی، مقادیر t و خطای استاندارد

عامل	شاخص‌ها یا متغیرهای آشکار	بارهای عاملی تخمینی	خطای استاندارد	مقادیر t	پایایی ابزار R2
چالش‌های اقتصادی	کمبود سرمایه	۰/۳۳	۰/۰۷۱	۴/۶۵	۰/۰۷۲
	عدم رقابت‌پذیری درآمدی	۰/۱۹	۰/۰۷۸	۲/۴۳	۰/۰۱۹
	عدم توجیه اقتصادی	۰/۵۹	۰/۰۸۵	۶/۹۳	۰/۱۷
	هزینه ساخت و قیمت تمام شده	۰/۸۳	۰/۰۹	۹/۲۵	۰/۳۴
چالش‌های قانون و مقررات	عدم توجه به نیاز در ساخت خانه دولتی	۰/۵۰	۰/۰۷۶	۶/۶	۰/۱۴
	عدم صدور مجوز	۰/۰۷	۰/۰۶۹	۱۵/۵	۰/۵۷
	ضوابط و مقررات ساخت و ساز	۰/۲۹	۰/۰۷۲	۱۷/۸۶	۰/۷
	اجرای ضوابط طرح	۰/۲۷	۰/۰۷۳	۱۷/۳۳	۰/۶۷
چالش‌های فیزیکی کالبدی	عدم حمایت دولت	۰/۷۹	۰/۰۸۱	۹/۷۵	۰/۲۸
	نبود فضای کار و فعالیت در خانه	۰/۹۸	۰/۰۷۱	۱۳/۸۴	۰/۵۶
	عدم وجود انبار و فضاهای پشتیبانی	۰/۰۳	۰/۰۷۱	۱۴/۵۷	۰/۶۱
	نبود فضاهای الحاقی برای فعالیت	۰/۸۸	۰/۰۷	۱۲/۶	۰/۴۷
چالش‌های انسانی	بی توجهی به نیاز در طراحی مسکن	۰/۳۷	۰/۰۷۱	۵/۲	۰/۰۳۴
	کوچکی اندازه	۰/۲۲	۰/۰۷۳	۳/۰۴	۰/۰۳۴
	کمبود فضاهای داخلی	۰/۱۹	۰/۰۷۹	۲/۴۴	۰/۰۲۲
	عدم علاقه جوانان	۰/۳۸	۰/۰۷۴	۵/۱۱	۰/۰۹
چالش‌های انسانی	تغییر سبک زندگی	۰/۳۹	۰/۰۷۱	۵/۴۸	۰/۱
	نگرش نسل جدید به کار	۰/۸۹	۰/۰۶۷	۱۳/۳۷	۰/۴۹
	چشم و هم چشمی	۰/۰۰	۰/۰۶۸	۱۴/۶۵	۰/۵۶
	حضور در اجتماع	۰/۹۰	۰/۰۶۸	۱۴/۳۴	۰/۵۴
	ترجیح کار بیرونی	۰/۸۵	۰/۰۷۸	۱۰/۸۹	۰/۳۵
	عدم توجه به نیاز کار کهنسالان	۰/۳۷	۰/۰۷	۵/۲۲	۰/۰۹۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

مسکن همزاد با سکونت دائمی بشر در سکونتگاه‌های انسانی است. اولین کارکرد مسکن، ایجاد سرپناه و حفظ جان و مال ساکنان از گزند حیوانات و راه‌زنان بوده است. اما به سرعت کارکردهای دیگری به مسکن اضافه شد. کارکردهایی که با تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه و فرد تعریف شد و نمود فضایی و کالبدی پیدا کرد. فعالیت اقتصادی یکی از اولین کارکردهای انسانی و اجتماعی بود که با توسعه کار و فعالیت انسان، پیوند خود را با مسکن برقرار کرد. از این زمان به بعد مسکن علاوه بر کارکرد زیستی، کارکرد اقتصادی و معیشتی نیز پیدا کرد. مسکن به عنوان بخشی از روابط و پیوندهای خود با فعالیت اقتصادی، محلی برای فعالیت‌های تولیدی و پشتیبانی از تولید شد. به تناسب این تغییرات، فضای کالبدی مسکن نیز تغییر پیدا کرد. علاوه بر این مسکن روابط اجتماعی داخل خانواده و نیز با سایر خانوارهای ساکن در سکونتگاه را ساماندهی کرد. کارکردهای اجتماعی منجر به شکل‌گیری محلات و گروه همسایگان شید. ارزش‌ها و دیدگاه‌های خانوار عامل دیگری بود که بر فرم و عملکرد مسکن تأثیر گذاشته و مسکن را به عنوان ابزاری برای نشان دادن پایگاه و منزلت اجتماعی شد. با توجه به تأثیرپذیری مسکن از وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوار، مسکن شهری و مسکن روستایی تفاوت ماهوی پیدا کردند. در حالی که در مسکن شهری کارکرد زیستی غالب بوده، مسکن روستایی وجهی زیستی و معیشتی داشته است. اما با تحولات صورت گرفته در روستاها و مداخله از طریق طرح‌های توسعه کارکرد معیشتی در مسکن روستایی نیز در حال کاهش است.

برای بررسی علت کاهش سهم مسکن معیشت‌محور در مناطق روستایی، چالش‌های پیش‌روی توسعه فعالیت و معیشت در مسکن روستایی مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی، دو دسته کلی چالش‌های ساختاری و چالش‌های عاملیتی و انسانی مشخص و رتبه‌بندی شدند. این رتبه‌بندی نشان داد که بر عوامل مداخله‌گر در بافت و ساخت روستا از جمله ضوابط و مقررات طراحی و محدودیت‌های ناشی از آن‌ها و عوامل اقتصادی ناشی از تغییرات اساسی در جامعه توافق نظر بالایی وجود دارد. از طرف دیگر تأثیر عوامل فردی و ارزش‌های انسانی بر معیشت محور شدن یا نشدن مسکن کمترین توافق را به خود اختصاص داده است.

برای تأیید این عوامل از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که چالش‌های اقتصادی، ضوابط و مقررات مداخله‌گر در بافت و ساخت مسکن، چالش‌های فیزیکی و کالبدی که خود تحت تأثیر مداخله طرح‌های توسعه هستند و در نهایت چالش‌های انسانی و اجتماعی از جمله گروه‌های شناسایی شده به عنوان چالش توسعه مسکن معیشت‌محور هستند.

یافته‌های این مقاله با پژوهش عبدالهی و دیگران (۱۳۹۴) در بعد تأثیرپذیری مسکن از عوامل فرهنگی و اجتماعی، یافته‌های زرگر و خانقاهی (۱۳۹۳) در زمینه وجوه مؤثر بر مسکن و نیز نتایج پژوهش سرتیپی‌پور (۱۳۸۴) و مهدیان و سرتیپی‌پور (۱۳۹۱) در مورد شرایط علی تحولات مسکن روستایی و معیشت‌زدایی از مسکن روستایی هماهنگ است. با این وجود مطالعات فوق مجموعه عوامل ساختاری و عاملیتی را در پیوند با هم و به صورت یکپارچه مورد تحلیل قرار نداده‌اند.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گر از طریق طرح‌های توسعه و یا تغییرات اقتصادی در سطح کلان، مهم‌ترین عواملی هستند که در معیشت‌زدایی از مسکن روستایی نقش داشتند. از این رو پیشنهاد می‌شود:

- برای حفظ و کاهش روند تغییرات مسکن معیشت‌محور روستایی در طرح‌های توسعه روستایی از جمله ضوابط و مقررات فنی و طرح‌های هادی روستایی اصلاحات اساسی صورت گیرد.

- به منظور تطبیق فعالیت‌ها و مشاغل خانگی و ایجاد تنوع در درآمد روستاییان، متناسب با تغییرات اجتماعی و اقتصادی، مشاغل جدیدی تعریف و یا مشاغل سنتی بازتعریف شوند.

- برای اصلاح نگرش و دیدگاه روستاییان و به ویژه نسل جدید، برنامه آموزشی و ترویجی ویژه طراحی و اجرا شود.

- بسته‌های حمایتی و تسهیلاتی ویژه برای توسعه مسکن معیشت‌محور در روستاها تعریف و اجرا شود.

این مقاله از طرح پژوهشی «نقش مسکن معیشت‌محور روستایی بر تثبیت جمعیت و مهاجرت معکوس» که با حمایت مالی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اجرا شده استخراج گردیده که بدین وسیله از حامی طرح تشکر به عمل می‌آید.

منابع

سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲(۴۳)، ۵۲-۴۳.

سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران. *نشریه صفا*، ۴۹(۱۹)، ۶۰-۴۷.

عبداللهی، سمیه، بوذرجمهری، خدیجه و سلطانی، ریحانه (۱۳۹۴). اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستائیان، مطالعه موردی: شهرستان نکا. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲(۵)، ۴۲-۲۱.

فضلعلی، زینب، پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۷). بررسی تغییرات مسکن روستایی استان مازندران. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۲(۵۰)، ۳۳۹-۳۵۴.

محمدی‌یگانه، بهروز، عینالی، جمشید و منبری، پریسا (۱۳۹۹). تحلیل عوامل اثرگذار بر تحولات مسکن معیشت‌محور در نواحی پیراشهری، مطالعه موردی: سکونتگاه‌های دهستان معجزات شهرستان زنجان. *مجله توسعه فضاهای پیراشهری*، ۳(۲)، ۱۲۶-۱۰۵.

مهدیان، عزیزالله و سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۹۱). مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم‌انداز آتی. *مسکن و محیط روستا*، ۱۴۰(۳۱)، ۱۲-۳.

پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن، *مجله مسکن و محیط روستایی*، ۱۳۴(۳۰)، ۱۸-۳.

پورطاهری، مهدی، فتحعلی، زینب و رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۶). تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستایی، مطالعه موردی: روستاهای استان مازندران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۱(۱)، ۹۵-۱۳۱.

حیدری ساربان، وکیل و عبدی‌پور، علیرضا (۱۳۹۸). عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۹(۴۵)، ۴۶-۲۳.

رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا، حاجی‌پور، مجتبی، فتاحی، احداله و پایدارکل‌سنگ، ابودر (۱۳۹۱). بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی با معماری بومی و میزان رضایتمندی ساکنین روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان. *مسکن و محیط روستا*، ۳۱(۱۳۹)، ۸۵-۹۸.

زرگر، اکبر و حاتمی‌خانقاهی، توحید (۱۳۹۳). *وجوه موثر بر طراحی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستایی*، ۱۴۸، ۴۵-۶۲.

Bourne, I.S., (1981). *A Geography of Housing*, Prentice-Hall, New York

Cater, J. & Trevor, J. (1989). *Social Geography*, Routledge, and London.

Chambers, R., & Conway, G. (1992). *Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st century*. (IDS Discussion Paper No. 296), Brighton: Institute of Development Studies (UK).

Helmor, C. & Sing, N. (2001). *Sustainable livelihood: Building on the wealth of the poor*. Bloomfield: Kumarin Press.

Mandal. R.B. (2001). *Introduction to Rural Settlements*, concept polishing company, new Delhi

Martín, Silvia & Fernando R Mazarrón, IgnacioCañas (2010). Study of thermal environment inside rural houses of Navapalos (Spain): The advantages of reuse buildings of high thermal inertia. *Construction and Building Materials*,

24 (5),666-676.

Ngcobo, Ntombifuthi (2018). *The Impact of Rural Housing Policy On the Socio-Economic Status of Households: A Case Study of Vulindlela Rural Housing Project*, Supervisor: Dr. L. Chipungu, School of Built Environment and Development Studies,

Polin Fatiha (2019). *Rural Dwellings of Bangladesh: A Manifestation of Culture and Climate*, Conference: Earth USA 2019At: New Mexico, USA.

Sendich, B., (2006). *Planning and Urban Standard*, Rutledge, Newgersy

Short, J. R., (2006). *Urban Theory Acritical Assessment*, Routledge, New York.

Skataric Goran, Velibor Spalevic, Svetislav Popovic, Nenad Perosevic and Rajko Novicevic (2021) *The Vernacular and Rural Houses of*

Agrarian Areas in the Zeta Region, Montenegro. *Journals Agriculture*, Volume 11 Issue 8
Westaway, M. S. (2006). A longitudinal investigation of satisfaction with

personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto. *Journal of Habitat International*, 30, 175-189.

